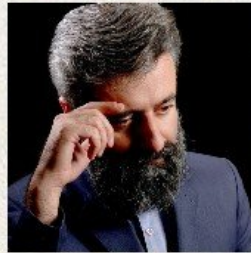


< هو الحکیم >

عنوان:

تقارن نابودی اسلام با ظهور امام عصر علیه السلام



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

شبهه شبهه‌ی دقیقی هست! ببینید امام وقتی تشریف میارن، این طوری نیست که به‌طور طبیعی يك حرکت نظامی و تغییراتی بخوان به‌صورت عادی به وجود بیارن! امام وقتی میاد، غیر عادی عمل می‌کنه! با معجزه عمل می‌کنه!

یعنی از همون صیحه‌ی آسمانی که خودش معجزه هست همه صدای حضرت رو می‌فهمند می‌شنوند، که يك صیحه‌ای جبرئیل می‌ده و ندا می‌ده در ارتباط با خروج حضرت، ظهور حضرت، همه این رو می‌شنوند و درک می‌کنند، خب وقتی چنین باشه این معجزه، بقیه‌ی کارهای حضرت هم از اول معجزه هست.

خب اگه بنا به معجزه باشه امام حسن عسکری علیه‌السلام که از دنیا می‌رفت، آقا قیام می‌کرد! اون صیحه می‌اومد و قیام می‌کرد همه رو از بین می‌برد! ظالمین رو از بین می‌بردن، عدالت هم برقرار می‌کردن؛ جنایت هم اون موقع بود. یا می‌گی که خب حالا غیبت کردن، يك مدتی غیبت کردن، نواب اربعه بودن؛ یعنی چی؟ با حضرت در ارتباط بودن، مردم سؤالات شون رو که می‌پرسیدن این می‌اومد خبر می‌داد به حضرت سؤال می‌کرد، دقیقاً جواب اون‌ها رو می‌گرفت به مردم می‌داد؛ این هم گیری نداره!

ولی غیبت کبری چه معنا می‌ده؟ این اشکال قوی هست به نظر من!
جواب آقا شیخ مجتبی قزوینی يك جواب استثنائی هست! کتاب من زیاد
دیدم، خیلی‌ها این قسمت عذر می‌خواهم ماست مالی کردن! این جواب خیلی
جواب دقیقی هست! دقت بکنید چی جواب داده می‌شه؛ می‌فرمایند:
«عصیان بشر تا حد محدودی مانع از ظهور حضرت است. یعنی تا موقعی
که نوامیس و حقائق اسلام به کلی از بین نرفته باشد و اما وقتی که ظلم
و جور، عالم را فرا گرفت، حقائق و احکام الهی و قرآن به کلی تعطیل،
ارکان اسلام منهدم گردید، ظهور به قهر و غلبه و اصلاح کلی لازم خواهد
شد.» دقت بکنید! می‌گه تا اندازه‌ای آقا غائب خواهد بود به این اندازه
که اصل پایه‌های اسلام باشه! بنیه‌ی اسلام باشه! مواضع تشیع باشه! خب تا
اون‌جا اصلش کفایت می‌کنه. ولو اختلافاتی باشه دور از مبنا نیست! حالا
فرض بکنید يك مرجع تقلید می‌گه که در وقتی شما روزه‌دار باشی، سرت
رو زیر آب بکنی روزه‌ات باطل هست؛ یکی می‌گه باطل نیست! این به
جایی اون‌قدر بر نمی‌خوره!

@SERATEHAGHI

@MAHDISM_12

طرف نهایتش احتیاط می‌کنه؛ می‌گه تو این‌اگه اختلاف هست، ماه رمضان
شنا نمی‌کنم، سرم رو زیر آب نمی‌کنم. اما اگه کار برسه که کلاً دین لو
بشه، دین از بین بره، قیام می‌کنه حضرت! مثال می‌زنم؛ در مورد ائمه‌ی
معصومین دیگه هم این مواضع بوده. «به همین دلیل که راجع به ارسال رسل
و نصب امام گذشت، چنانکه تسلیم ظاهری و خانه نشستن علی علیه‌السلام
به این منظور بود که کاملاً اسلام از بین نرفته بود. از این جهت پس از در
گذشت حضرت رسول، یکی از حاضرین در میان جمعیت گفت: اگر کسی
بگوید به زمان جاهلیت برگردید چه خواهید کرد؟» اصلاً کلاً پیامبر رو
بذاریم کنار، به زمان جاهلیت برگردیم. امیرالمؤمنین در ارتباط با غضب
خلافتش خانه‌نشین کرد، ثبت شد یعنی خود حضرت ثبت کرد دیگه. دست
به قبضه‌ی شمشیر نبرد.

«فرمودند هیچ کس جواب نداد». گفتن اگه ما برگردیم به زمان جاهلی،

کفر و شرک، چی می‌شه؟ هیچکسی حرف نزد.

«علی علیه السلام فرمود: هر کس چنین بگوید سر از پیکرش خواهم برداشت.»

یعنی تا این جا صبر کردم، قیام می کنم بعد می فرمایند: «یعنی صبر می کنم تا موقعی که حقایق اسلام و قرآن باقی باشد. صبر و صلح امام حسن علیه السلام و قیام مولا سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام نیز روی همین نکته و اساس به وجود آمد که حقایق قرآن نزدیک به از بین رفتن بود». بحث صلح هم همین بود. صلح امام حسن علیه السلام که آقا شش ماه بیشتر خلافت نکرد؛ چرا صلح کرد؟ نفاق و بین بردن دین در بین اصحاب امام حسن علیه السلام بود، فریب کاری اون ها هم بود، اصل اسلام رو هوا بود! که وقتی میاد پیش امام می گه آقا شما چرا صلح کردی؟ می گه هر آن چیزی که این خورشید به هر جا می تابه فایده داره، صلح من فایده اش برای شما شیعیان و برای اسلام بیشتر از این بود! یعنی اگه بنا باشه اصل اسلام از بین بره، علی می گه چی؟ خانه نشین می شم! زهرا علیها السلام رو بزین سکوت می کنه!

حضرت مجتبی علیه السلام، خلافت رو ازم بگیرن! خلافت رو می دم.

در زمان امام حسن علیه السلام، معاویه بود. معاویه ظواهر اسلام رو حفظ می کرد. یزید علنی می گساری، زنبارگی، ارتباط با محارم و خیلی مسائل دیگه که خود اهل تسنن اشاره کردن، دین رو داشت لوٹ می کرد، دین رو از بین می برد! یعنی مردم به این جا رسیده بودن که می گفتن نکنه این ها همه بازی هست! خودش هم شعر خونده که پیامبر و این ها بازی در آوردن! وحی کجا بود؟ این حرف ها کجا بود؟ یزید چی گفت؟ گفت آقا نباید اسم این پیامبر رو مناره ها دیگه گفته بشه! باید از بین بره! این جا امام حسین علیه السلام دیگه مثل امام حسن علیه السلام صلح، صبر، این حرف ها نبود! دست به شمشیر بود!

حالا ببینید نکته این جا اینه؛ اصل مسئله ی غیبت پا برجاست، تا جایی که نخوان دین، اصلش، اساسش از بین بره! اون جا بکنه دیگه حضرت...! لذا این قدر تأکید شده ظلم و جور؛ ظلم و جور! یعنی چی خب؟ ظلم و جور این ها که بوده نه نه! ظلم و جور نه! اینکله این مسائلی که ما داریم رؤیت می کنیم و بوده از قبل! ظلم و جور از قبل بوده که!

نه! اساس هدايت رو بخوان بهش جور می کنن! «زمانی که احکام به کلی تعطیل و دین خدا ضایع گشت، حضرتش قیام خواهد کرد. به خواست و نخواست مردم مربوط نخواهد بود. چنانچه مضمون بسیاری از روایات و ادعیه این است. مخصوصاً در دعای شریف ندبه که بیان خلاصه‌ی روایات است تصریح به همین مطلب کرده». پس تا این جا اصل اتمام حجت صورت گرفته و همین مسائلی که هست، اثبات وجود نازنین حضرت می کنه. همین قرآن خودش دلیل بر حقانیت اسلام هست، خودش معجزه هست يك نفر بخواد از همین قرآن می فهمه. به دستورات اسلام، به اخلاق اسلام، به فقه اسلامی، به عقائد اسلامی، اگر چنانچه با تدبیر و تعقل و تفکر و پژوهش بره، به اون ها می رسه. هرچند که يك سری اختلافات در بعضی مسائل به صورت جزئی هست، اما ارکان دین از بین نمی ره. اما اگه بنا باشه اصل ارکان از بین ببرن، این جا دیگه اصلاً مردم بخوان یا نخوان مهم نیست! کما اینکه یزید می خواست این کار رو بکنه امام حسین علیه السلام قیام کرد! اساس دین می خواد از بین بره، حضرت مجتبی علیه السلام صلح کرد! اساس دین بنا بود که آقا دست به شمشیر بشه، حضرت امیر از بین می رفت چی کار کرد؟ خانه نشین شد سکوت کرد!